

صاحب امتیاز:	م. غبار
مدیرمسئول:	م. فرهنگ
اداره:	جاده میوند کابل
تلفون:	۲۹۵۳

# وطن

هر پنجشنبه نشر میشود

اشتراک:

کابل:	۵۰	افغانی
ولایات:	۶۰	افغانی
خارج:	۵	دالر
یکشماره:	۷۵	پول

سال اول

شماره چهل و سوم

۱۹ جدی

۱۳۳۰

مطبعه سهامی دانش

پس از تخمین نه ما، کشتش و کوشش زیاد بالاخره اجازه تأسیس - مطبعه دانش از ریاست مطبوعات حاصل شد و اساسنامه آن برای - ثبت بوزارت اقتصاد ملی ارسال گردید. این موسسه بصورت يك شرکت سهامی تشکیل گردیده، سرمایه آن یکصد هزار افغانی و قیمت هر سهم يك صد افغانی تعیین شده تا تعداد بیشتر ابناء وطن در آن سهیم گردد.

منظور اصلی شرکت سهامی دانش طبع جراید و مجلات و کتب یعنی - نشر علوم و معارف است که مملکت سخت بان احتیاج دارد و هر فرد تبعه انسان در آن سهیم شده میتواند.

برای ملاحظه اساسنامه و مفاهمه ابتدائی به اداره وطن در جاده میوند تشریف آورده و یا ذریعه تلیفون به نمره ۲۹۵۳ مراجعه فرمایند.

در مجلس ملی مطرح گردید، و راه های اصلاحی آن نشان داده شد. حتی در قضیه غله خریداری که بودجه مملکت ۴۵ ملیون کسر و وزارت مالیه از تهیه آن اظهار عجز مینمود اینجانب صورت مدرک - آسان و کافی و بی ضرر (از اخذ مالیات جدید از منافع فروش پشم و پنبه افغانستان در خارج از تجار صادر کننده) ترتیب وبه مجلس ملی تقدیم کردم. کمیسیون «سمع شکایات» شورا نیز به تظلم داد خواهان گوش فرا داده و در هر قضیه حکومت را بطرف اصلاح و رفع تظلم متظلمین متوجه میساخت.

در قسمت سوم از يك طرف برای وضع قوانین ضروری ومهم از قبیل تشکیلات ملکیه، تفریق وظایف مامورین.. ووو... و از طرف برای تعدیل قوانین سابقه چون قانون اساسی، ترفیع و تقاعد و وو... پیشنهاد های علمی و عملی بریاست شورا داده شد.

همچنین در مورد تفکیک قوای ثلاثه دولت، مسئولیت کابینه در نزد مجلس ملی. امور کمپنی مورسن نودسن، بودجه مملکت، و تقلیل دوائر اضافی با حذف مصارف بیهوده و معاشات امتیازی. تفتیش موسسات اقتصادی، محاکمه وزرای مظنون و متهم فوائد عامه و مالیه و اقتصاد. نظریات مهم و مفصل بریاست شورا و کمیسیونهای شورا و مجلس عمومی، شورا با راپورهای جامع و دقیق تقدیم گردید. در مقابل لوائح پیشنهادی دولت راجع به بقانون انحصارات دولتی و تعدیل ماده ۷ قانون مالیات بر عایدات مترقی، نیز این اینجانب دو لایحه متقابل در کمیسیونهای مربوطه و مجلس عمومی شورا پیش کردم (متن آن ثانی نشر خواهد شد) ما میتوانستیم - (بقیه در صفحه ۲)

م. غبار

در شورای ملی چه میکردیم؟

این سوابقست که در شمارد ۲۵ جریده شریفه اولس از اینجانب (به حیث وکیل کابل) شده است. اینجانب نیز فرصت را غنیمت شمرده به تقدیم جواب می پردازم: طبعاً رفقا، متوجه هستند که دوره هفتم شورای ملی در تاریخ پارلمانی افغانستان فصل بارزی باز کرده است. به این معنی که گرچه در هر دوره و در هر دولتی در افغانستان مجالس "مشورتی" از نمایندگان دولت و بعضاً ملت در امور مهم کشور دایر میگردد ولی تمام این مجالس بیشتر از يك مجلس مشورتی ارزشی نداشته و در فیصله هر امری رای شخص پادشاه و یا صدراعظم خودرای و خود مختار قاطع بود. تنها در دوره امانیه

طرح تأسیس يك "شورای ملی" ریخته شد. مگر اغتشاش مشهور سال ۱۳۰۷ مانع بوجود آمدن آن گردید.

برای بار اول اعلیحضرت شهید طبق قانون اساسی ۱۳۰۹ به تشکیل شورای ملی موجوده پرداخت که اینک دوره هشتم آن فرا میرسد. شش دوره این شورا در ۱۸ سال تحت تاثیر مستقیم اوضاع اداری و سیاسی بنوعی گذشت که هر وطنداری لامحال کم و بیش از کم و کیف آن مطلع است و شاید روزی تاریخ پارلمانی افغانستان این اطلاع هموطنان را کامل گرداند. باری برای توضیح وضعیت شش دوره اول شورای ملی ذکر همین نکته کفایت میکند که در دوره اول چند تن معدود از وکلا سعی کردند وظیفه خودرا در دفاع از حقوق ملت و حفظ حیثیت مجلس حقانه اجرا کنند و از آن جمله عبدالعزیز خان وکیل معروف قندهار بود که بعد از ان قسمت بزرگ ایام حیات خودرا در محبس بسر برد. در هر حال این شش دوره شورا با حفظ عنوان ظاهری و با وضع پاره قوانین - فقط در منزله يك مجلس "تصویبی" و تابع اراده حکومت یعنی کابینه وزرا بشمار میرفت. شاید هیچ فردی حتی در پایتخت افغانستان بیاد نداشته باشد که روزی چند هزار یا چند صد نفر بغرض انتخاب وکیل خود اجتماع کرده باشد. تا چه رسد به سایر حصص مملکت. روسای شورای ملی هم بطور انتصابی از يك دوره به دوره دیگر منتقل میگردد. پس با چنین ترتیبی ماهیت اصلی و نتایج اعمال دوره های گذشته شورای ملی ما معلوم است که چه بود!

در خاتمه جنگ دوم جهانی یعنی هنگامیکه سیر حوادث دنیا مسیر سیاسی و اداری ملت ما را تغیر میداد خوشبختانه در افغانستان اراده و هوش اعلیحضرت پادشاه مملکت متوجه و مشغول تحول و ترقی اداره و سیاست دولت بوده و به واسطه تعیین کابینه جدید و بعدها اعطای آزادی انتخابات استعداد ملت در امر اجتماع معرض امتحان و آزمایش قرار میگرفت و این آزمایش و پرورش به تدریج توانائی معنوی جامعه را در راه مشی و تمرین امور اجتماعی

و اشتراك مساعی با دولت سوق مینمود. در چنین وقتی «دوره هفتم» شورای ملی بمیان آمد و اینجانب با آرا و انتخاب اهالی محترم پایتخت افتخار عضویت آنرا یافتم.

من از نظر سیر تاریخ تکاملی افغانستان و از تماشای سدهای مصنوعی و اجباری که پالیسی استعمار و سیاست تضعیف داخلی در مقابل تقدم و تکامل طبعی کشور کشیده شده بود. البته احتیاج جامعه را به تسریع حرکت و تحول احساس میکردم. اما در هر حالی من بیشتر از عصبیت و هیجان های زودگذر و آنی که فقط احساسات را برای اصلاح امور ژولیده مملکت کافی میشمارد - به سنجش عملی قضایا (البته به کمک متخصصین) و تهیه و تجربه دان کار (که این تحول را به حیث نماینده ملت رهبری کنند) احتیاج حس مینمودم.

خوشبختانه دیدم که بعد از ۱۸ سال در دوره هفتم شورای ملی افغانستان یک «جبهه ملی» که من جزو آن بودیم تشکیل گردید. این جبهه قوای خودرا در سه نقطه متمرکز ساخت: اول تنظیم داخلی دستگاه شورای ملی. دوم رفع شکایات فوری ملت، سوم تنظیم دستگاه حکومت. که بایستی اینهمه باساز روح دیموکراسی و در سایه قانون و مسئولیت عملی میگردد.

پس در قسمت اول لایحه نظام داخلی شورا و لایحه قانون انتخابات - با در نظر گرفتن زمان و مکان راه عملی آن ترتیب و از کمیسیون "تلفیق قوانین" کامیابانه گذارش داده شد. و برای نشر مجله ماهانه حاوی مذاکرات مجلس و تنظیم دوایر اداری ریاست شورا و ترتیب قبول مستمعین در جلسات علنی پیشنهادات مدلل و مفصلی بریاست شورا تقدیم گردید. در قسمت دوم - "مواد هفتگانه" یعنی الغای خریداری جبری غله عسکری، رفع بیگار، الغای مالیات های مخالف قانون از وثایق شرعی و مال مواشی و امثال آن. شمارش هر ساله مال مواشی مالیه دهندگان، اصلاح قانون جلب عسکری و غیره



در شورای ملی چه کردیم :

به تانی و تدریج از راه اصلاح امور پریشان کشور ملت و دولت متحدال نظر گردید و بدون آشوب و تولید هراس در یک از طرفین راه دیموکراسی باز گردد. و لهذا در تصاویر حتی شدید خود هم استطاعت عملی دولت و اقتضات زمان و مکان و محیط را در کنار داشتیم. و الحاصل ما در دوره سه ساله شورای ملی به حیث وکلای ملت در - مجالس عمومی، در کمیسیونهای فرعی، در شب و روز بلا وقفه و تفریح و غیرحاضری بدون خوف و هراس و بدون حرص و طمع برای خیر مملکت و تقویت دیموکراسی کار کردیم. اما شما خواهید پرسید که نتیجه عملی این خدمات بلند بالا در کشور چیست ؟ حق هم دارید منتها چند حرفی باید بشنوید:

وکلاهی دوره و هفتم شورای ملی رویهمرفته در سه دسته منقسم میگردید:

- اول جبهه ما یا «دست چپ». دوم دسته «بی طرف» و یا متذبذب. سوم جبهه «دست راست» که خود را در لباس طرفداری «کابینه» جلوه میدادند. ترجمه حال دسته اول را شنیدید. دسته دوم چیزی قابل تذکر ندارد. حال از «دست راست» یا (جبهه مخالف ما) بشنوید: - اینها بعد از آنکه جبهه بیطرف را اتصالاً هدف بمباران تهدید و تطمیع قرار دادند با نمایش از امداد کدام قوت رسمی و یا مالی (؟) در صدد از بین بردن جبهه ملی «دست چپ» برآمدند. پس با تبلیغ و خیر کشی اینها را دشمن خونی دولت و عاشق انقلاب مملکت و پیر و هزار نظریه ضد و نقیض یکدیگر معرفی کردند و خود در مجالس عمومی مکرراً با دو و دشنام بازاری با چوکی و میز و کارد و چاقو بالای ما ریختند و در جراید رسمی - توسط نویسندگان معلوم الحال اتهام و افترا کردند و بدین وسایل خواستند تا شورای ملت را بدرجه يك شورای دولت تنزل بدهند و ... تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل...

خوب نتیجه چه شد و آنهم در مجلس شورا که مسلماً هر فیصله تابع اکثریت است؟

نتیجه اینطور شد که: قانون انتخابات در مجلس نارسیده رد گردید. قانون داخلی مجلس از یکنیم صد ماده فقط شانزده ماده آن در سه سال مجلس خوانده شد و چون تجدید انتخاب هیئت رئیسه شورا را در هر سال پیشنهاد میکرد رد گردید. پیشنهاد های ما راجع به وضع قوانین جدید و تعدیل قوانین سابقه در طی سه سال يك روزم داخل آجندة مجلس گرفته نشد (چونکه - ترتیب آجندة از اختیارات شخص رئیس شورا بود) فیصله های اکثریت مجلس دایر به مسئولیت و محاکمه وزرای مظنون هیچ کدام از طرف ریاست شورا بغرض صحنه مبارک ذات پادشاهی تقدیم نگردید. تا که ابداً قابل تطبیق نباشد و همچنین تمام پیشنهاد های جبهه ما از طرف جبهه دست راست در سایه طرفداری و اعمال نفوذ هیئت رئیسه شورا خنثی گردید. حتی رئیس ثانی در قضایای مهم و متنازع فیهای مجلس عمومی (به ترس از غلبه جبهه ملی) از شمار آرا و تعیین اکثریت و اقلیت امتناع مینمود. مسوده تصاویر مهمه شو را هم در خانه های شخصی شان نوشته میشد بالای شمول مستمعین در جلسات علنی شورا یک سال مجادله شده بالاخره چند چوکی معین و آنهم بواسطه مشکل تراشی های

صعود از خانها (بقیه) م. فرهنگ

در مقالات گذشته صعود نرخها را در ۱۳ سالی اخیر بطور تخمین پیمایش نموده به این نتیجه رسیدیم که در شهر کابل مصرف حیات بیش از پنج صد فیصد ترقی کرده است. اکنون باید دید که در این مدت عواید طبقات مختلف بچه پیمانه تفاوت کرده تا از روی آن تاثیر بلند، رفتن نرخها بر حیات هر طبقه - یعنی وضع فعلی رفاهیت و صعوبت حیات هر طبقه معلوم گردد. اول - طبقه مامورین: در ۱۳ سال اخیر دولت ۳ بار معاش مامورین خود را تزئید کرده است. معیار تزئید در هر بار و برای هر درجه و رتبه متفاوت بوده است و سنجش هر قلم آن موجب طول کلام میشود و پس ما بطور نمونه معاش یکی از رتبه ها مثلاً مامور ابتدائی را که در سنه ۱۳۱۷ تخمین به ۲۰۰ افغانی (ماهوار) بالغ میشد مثال میگیریم. زیرا در شماره گذشته دیدیم که در سنه مذکور فقط با همین مبلغ پایینترین معیار - حیات برای يك عایله مختصر تأمین شده میتوانست بهتر است. پس با فرض اینکه در آنوقت فقط یک مأمور ابتدائی میتوانست معیشت خود را به حداقل از مدرک معاش تأمین کند اکنون می بینیم که مامور مذکور با معاش فعلی در چه حال است. امروز يك مامور ابتدائی در حدود پنج صد افغانی معاش دارد و استفاده ماهوار او از کوپراتیف تقریباً به شرح ذیل است:

الف - در قیمت پنج سیر آرد في سیر ۵ افغانی ۲۵ افغانی

ب - در قیمت ده پاو بوره في سیر ۴۰ افغانی ۲۵

ج - در قیمت ۴۸ متر پارچه في متر ۳ افغانی ۱۲

د - در قیمت سایر مواد تخمین ۱۳

میزان ۷۰

پس هرگاه استفاده ماهانه ۷۵ افغانی را از کوپراتیف بر معاش او علاوه کنیم معاش حقیقی او به ۵۷۵ افغانی بالغ میشود حالآنکه سابقاً دیدیم که برای تأمین معیشت او بمعیار ۱۳ سال پیش ماهانه ۱۰۶۷ افغانی لازم است. گویا امروز مامور مذکور ۴۹۲ افغانی یعنی تقریباً ۵۰ فیصد کثر جبران

شورا از استفاده مردم خارج ماند. و مجله شورا با وجود منظوری بودجه دوساله فقط يك شماره و آنهم در آخر سال سوم (با حذف مطالب مهمه منتشر گردید و و ... معهداً متیقن باشید که با وجود تمام این تهدیدهای حبس و زجر و زنجیر «جبهه ملی» (به استثنای یکی دو نفر) از بین نرفت و تا دقیقه آخر با ثبات و اعتدال با حسن اصلاح طلبی و آشتی جوئی بین ملت و دولت به اساس رفاه عامه و تقویة مشروطیت شاهی وظیفه وکالت خود را صادقانه و مردانه انجام داد.

نتیجه این خدمات هم این شد که امروز ملت به وجوب وجود شورای صحیح و دیموکراسی آگاه تر گردید و قوه مجریه از مسئولیت خود در برابر ملت حساستر شد و استعداد ملت، بداشتن حکومت دیموکراتیک در نظر جهان آشکارتر گردید. اینست که امروز ملت برای داشتن يك شورای صحیح آماده است و شاید دولت هم بکاردانی مردم کشور خود امید وار تر شده باشد. پس وظیفه موکلین است که با انتخاب وکلای صحیح در دوره ۸ این کار نا تمام را به انجام برسانند.

اعلامیه جهانی حقوق بشر

ماده سوم - هر کس حق زندگی - آزادی و امنیت شخصی دارد. ماده چهارم - احدی را نمیتوان در بردگی نگاه داشت و داد و ستد بردگان به هر شکلی که با شد ممنوع است.

ماده پنجم - احدی را نمیتوان تحت شکنجه یا مجازات یا رفتاری قرار داد که ظالمانه و یا بر خلاف انسانیت و شئون بشری باشد.

بقیه صعود نرخها

ناپذیر دارد و چون قبلاً معیشت او به حد اقل امکان سنجیده شده بود این مامور مجبور است که یا از ضروریات اولی حیات صرف نظر کرده نصف اوقات را با عیال و اطفال گرسنه بسر ببرد و در سرمای زمستان از چوب و ذغال محروم باشد - و یا اینکه - اگر میسر شد - دست تطاول به مال دولت و ملت دراز کند و از شدت احتیاج بدزدی و خیانت پناه ببرد.

به هر حال از حساب فوق بدون شك و شبهه معلوم میشود که سویه حیات طبقه مامورین نظر به ۱۳ سال پیش به صورت فاحشی تنزل نموده و کوپراتیف بصورت فعلی از جبران این کثر و نقصان عاجز است. پس علاج کار چیست؟ زیرا با وضع فعلی توقع جدیت و صداقت از مامورین دشوار است و بدون جدیت و صداقت طبقه مامور پیشرفت مملکت محال. برای حل این قضیه چند راه موجود است: یا بلند بردن قیمت افغانی در برابر اسعار خارجه که بانک ملی و موسسات تحت الحمایه مانع آن است. یا ایزاد مجدد معاشات توام با کنترل شدید نرخ ها که وزارت اقتصاد ملی و ریاست بلدیه از تطبیق آن اظهار عجز میکند و بالاخره تقویت کوپراتیف. چون مقایسه این تجاویز و نمودن نفع و ضرر - امکان و عدم امکان هر يك بحث دراز میخواهد عجالاً با همین اشارت مختصر اکتفا شد و اگر فرصت بدست آمد باز به آن رجوع خواهیم کرد

دوم - طبقه کارگر - تعداد کارگر ثابت یعنی کارگر فابریکه در افغانستان هنوز کم است. در باب اجرت این طبقه تا کنون هیچ احصائیه ( یقینی یا تخمینی از طرف وزارت اقتصاد ملی و دایره کار و کارگر نشر نشده است حتی بعضی ها سعی کرده اند که با تحدید های مجمل و غرض آلود نویسندگان مملکت را از توجه به این موضوع مهم - یعنی اجرت کارگر و احوال اقتصادی او باز دارند و این خود یکی از علل عدم پیشرفت صنایع در مملکت است. زیرا تمام اشخاصیکه به تصدی صنعتی پرداخته اند - معترف اند که شرایط حاضر طبقه دهقان مملکت هیچ - رغبت به تبدیل حیات و اختیار زندگی کارگری ندارد. در هر حال تحقیق وضع حیات کارگران و نشر معلومات مکمل در این موضوع وظیفه دایره کار و کارگر است و اگر بقیه در صفحه ۳



حکم تفتیش میمنه صادر شد

در هفته گذشته يك عده از اهالی میمنه با عرائض متعدد مبنی بر شکایت از مظالم آقای سید غلام رسول خان حاکم سابق (؟) میمنه بحضور والاحضرت صدراعظم پیش شدند. چون طرز اداره دیموکراسی مقتضی تامین عدالت است لذا بعنوان ریاست تفتیش صدارت عظمی حکمنامه صادر گردید که يك هیئت مقتدر و باصلاحیت برای رسیدگی بشکایات مردم و تحقیق اجراءات حاکم اعلی در میمنه اعزام گردد.

وطن برای این هیئت که وظیفه سنگین در برابر ملت و حکومت بدوش دارند توفیق راستی میخواهد و توقع دارد که طبق ماده دهم - اصولنامه تفتیش در اول دست حاکم اعلی را (که قبلاً حکم تبدیلی او صادر گردیده) از کار برکنار کرده بعد از آن بفرانت باجری - وظیفه پردازند.

بقیه صعود نرخها.

خود به تنهایی از عهده این وظیفه بدر شده نتواند چون "اداره بین المللی کار و کارگر" با سرمایه وسیع و تشکیلات منظم خود برای امداد در این گونه امور حاضر است باید نمایندگان ما در کنفرانسهای بین المللی در عوض اظهار "خیر خیریت" حقایق را آشکار نموده از اداره مذکور استمداد کند و به کمک او احصائیه اجرت، حقیقی کارگران و تناسب آنرا با سطح نرخها - ترتیب نمایند.

ظاهراً چنین بنظر میرسد که سیر اجرت کارگرها در ۱۳ سال اخیر از سیر افزایش معاش مامورین عقب تر باشد، و شاید منتها بین ۲۰۰ و ۲۵۰ فیصد ترقی کرده باشد (در حالیکه مصرف حیات بیش از ۵۰۰ فیصد بلند رفته) و چون کارگرها غالباً از کوپراتیف ارزاق محروم اند و احکامی که مطابق مقاولات بین المللی در اصولنامه کار و کارگر جهت حمایت حقوق شان وضع گردیده از قبیل حمایت صحتی - تأسیس صندوق ذخیره - حمایت معیوبین - تحدید وقت کار - اجرت کار بعد از وقت و امثال آن در صد يك از طرف کارفرمایان تطبیق نشده است. تمام اینها بر وضع اقتصادی ایشان فشار وارد نموده به منتهای عسرت و در حالت نزدیک به اضمحلال اقتصادی بسر میبرند. پس برای اصلاح این اوضاع دولت باید عاجلاً در دو جبهه به امداد شان برسد: اول در عملی ساختن احکام اصول نامه کار بالای کارفرمایان.

دوم - در ترتیب و انتشار احصائیه اجرت کارگران به تناسب - قیمت حیات و وضع يك پلان "کمک به طبقه کارگر" بر اساس نتایج احصائیه مذکور.

اما اجرت کارگران غیر ثابت مثل عمه تعمیر و امثال آن در شهر کابل تقریباً موازی با صعود نرخها پیشرفته است. مثلاً عمه گل کاری که در سنه ۱۳۱۷ روزانه ۲ افغانی اجرت داشت اکنون در حدود ۱۰ افغانی مزد میگیرد و به این سبب با وجود انکشاف امور تعمیر قلت کارگر محسوس نمی شود. همچنان کسبه و اجوره کار مثل گلکار و نجار و آهنگر و مسگر و امثال آن نیز چندان از افزایش نرخها متأثر نشده اند و میتوان گفت معیار حیات خود را حفظ کرده اند.

باقی در آینده

چون آهسته آهسته وقت انتخابات وکلای ملت برای دوره هشتم شورای ملی نزدیک میروند لهذا بغرض اطلاع عامه جریده وطن بنقل قانون انتخابات میپردازد.

اصول انتخابات وکلای شورای ملی

فصل اول - عده نمایندگان

۱ - عده وکلای ملت برای مجلس شورای ملی ۱۷۱ نفر است.  
۲ - تقسیم وکلای ملت نسبت به جمعیت تخمینی ولایات و حکومت اعلی قرار توضیحات جدولی است که به آخر این اصولنامه الحاق شده است.

فصل دوم - شرائط انتخاب کنندگان

۳ - انتخاب کنندگان باید دارای شرائط ذیل باشند.

الف - تبعه افغانستان باشند.

ب - سن شان از ۲۰ سال کمتر نباشد.

ج - در منطقه انتخابیه متوطن یا لااقل یکسال قبل از وقت انتخاب در آنجا ساکن باشند.

۳ - کسانیکه حق انتخاب ندارند:

الف - کسانیکه قانوناً تحت وصایت باشند.

ب - نجاری که به تقصیر مفلس شده باشند.

ج - مجرمین جنایات.

ه - کسانیکه بواسطه شغل و مقام خود از انتخاب کردن محروم اند.

الف - صاحب منصبان و ضابطان و افراد عسکری.

ب - صاحب منصبان و ضابطان و افراد پولیس و ژاندارمه در محل خدمت.

فصل سوم - شرائط انتخاب شوندگان

۶ - انتخاب شوندگان یعنی وکلا باید دارای صفات ذیل باشند.

الف - تبعه افغانستان باشند.

ب - از اجنبی ها کسانیکه بعد از استحصالی تذکره تابعیت ده سال دیگر در افغانستان اقامت کرده باشند.

ج - حتی الامکان دارای سواد باشند.

د - سن شان کمتر از سی سال و بیشتر از هفتاد سال نباشد.

ه - معروف بصدافت و راستکاری باشند.

۷ - کسانیکه حق انتخاب شدن برای وکالت ندارند.

الف - صاحب منصبان و ضابطان و افراد عسکری - پولیس و ژاندارمه.

ب - هرگاه مامورین بخواهند که در محل ماموریت خود شان وکیل شوند باید قبل از اقدام بانخاب شدن استعفا بدهند و در غیر محل ماموریت خودشان عموم مامورین حکومت وکیل شده میتوانند بشرطیکه بعد از انتخاب از ماموریت خود استعفاء بدهند.

ج - تاجرانیکه به تقصیر مفلس شده باشند.

د - محکومین جنایت.

بقیه در آینده

رژیم های سیاسی دنیا

فرهنگ

بنابر تقاضای بعضی از دوستان می خواهیم در طی چند مقاله مختصر رژیم های سیاسی یعنی ماهیت و شکل دولت ها و حکومت ها را برای خوانندگان شرح دهیم.

چون مقصد ازین تشریح فقط يك معرفي مختصر از مللی است که خوانندگان را در تعقیب حوادث سیاسیه جهان و مطالعه جراید و استماع رادیوها کمک نماید لهذا به ذکر خصوصیات کلی و اساسی هر رژیم اکتفا نموده از ذکر جزویات و تتبع در مبداء و معاد هر رژیم صرف نظر میکنیم و اگر کسی شایق آن مسائل باشد البته... میتواند بکتاب مفصلی که درین موضوع در تمام السنه و چند تا هم در زبان فارسی موجود است رجوع کند.

اول - رژیم ملوک الطوائفی یا فئودالیسم ( کلمات - فئودالیتیه و فئودال نیز مربوط به همین مفهوم است) رژیمی است که دران اقتدار حقیقی و حاکمیت واقعی جامعه در دست خوانین و ملاکان بزرگ است. در رژیم ملوک الطوائفی خوانین و زمین داران بزرگ با اینکه اسماً از حکومت مرکزی و پادشاه اطاعت میکنند اما معناً در منطقه خانی و اربابی خود فعال مایشاء و حکمران مطلق اند. درین گونه دولت ها شاه ضعیف و بی اختیار و برای حفظ قدرت و مقام خود محتاج به معاونت مالی و عسکری خوانین است.

ملت که اکثریت آن را دهاقین تشکیل میدهد مجال نفس کشیدن نداشته اختیار مال و جان و زمین و حتی ناموس او در دست خوانین است و بدون هیچگونه حقوق بصورت نیمه غلام حیات پر از سفالت در خدمت ارباب بسر میبرد. رژیم ملوک الطوائفی حس اقدام و ابتکار را در هر موضوع از بین برده جامعه را در نازلترین مدارج تمدن چه از حیث اقتصاد و چه از روی تعلیم و تهذیب - قرن ها متوقف و میخکوب میسازد.

در اروپا تا اواخر قرون وسطی (یعنی تخمین تا چهارصد سال پیش) نظام ملوک الطوائفی قایم بود و بعد از آن در برابر ازدیاد قدرت سلاطین و توسعه تجارت و صنایع از بین رفته جای خود را به سلطنت های مطلقه سپرد. اما در شرق تا این اواخر دولت های ملوک الطوائفی باقی بود. جنرال های خود مختار چین - راجه ها و نواب های هندوستان - شیوخ عرب - و بیگ های ترك همه عناصر ملوک الطوائفی بحساب میرفتند. در افغانستان تا عصر امیر عبد الرحمن خان ملوک الطوائف بشدت قایم بود. امیر موصوف با از بین بردن خوانین - بیگ ها - میرهای مقتدر ضررت کاری برین نظام وارد کرد؛ اما آنرا بکلی معدوم نساخت و تا کنون بقایای آن در گوشه و کنار مملکت موجود است. برای زوال ملوک الطوائفی دو چیز لازم است، اول تقویت حکومت مرکزی از راه وضع قوانین و تاسیس اردوی ملی و غیره. دوم اصلاح امور اقتصادی خصوصاً ایجاد صنایع - انکشاف حمل و نقل و حمایت طبقه دهقان.



مکاتیب وارده

آقای آهنگ از جریده وطن می پرسد:

درین روزها که جراید راجع به انتخابات وکلای شورای ملی قلم فرسایی بسیار میکنند مردم ب فکر هستند که این انتخابات کی آغاز میشود؟ و تاریخ قانونی آن چه وقت است؟ امید است سطری چند درین موضوع بغرض آگاهی عوام بنویسد.

وطن: برای همه معلوم است که هر دوره تشریحیه شورای ملی سه سال است. دوره هفتم شورا در آخر حمل سال ۱۳۳۱ به پایان میرسد. یعنی در اول ثور ۱۳۳۱ باید طبق قانون - اساسی افغانستان سال اول دوره هشتم شورای ملی منعقد گردد. قرار ماده ۲۹ قانون انتخابات اعلان شروع بانخابات باید سه ماه قبل از آخر دوره نشر گردد. پس باید ملت تا اخیر برج جاری یعنی برج جدی ۱۳۳۰ در انتظار صدور فرمان مبارک پادشاهی و اعلان دولت را جمع بانخابات وکلای شورا بوده بعد از صدور فرمان طبق مقررات قانون بانخابات پردازند. برای کمک با هموطنان در انجام این وظیفه مهم وطن نیز سر این شماره به نشر متن اصولنامه انتخابات آغاز کرده است.

اما اعلام دولت به ملت البته حاوی امر اکید بانخابات آزاد و عدم مداخله مامورین محلی و اعمال نفوذ و دسیسه بازی و در صورت تخلف محکومیت مرتکبین به مجازات قانونی - خواهد بود زیرا این طور عملی شدن انتخابات وکلای دوره هشتم شورا است که مقیاس و معیار دیموکراسی دولت و ملت افغانستان در نظر جهانیان قرار خواهد گرفت.

آقای اسپین غر اسپستان انجمن دکتوران دندان شرحی در جواب "افسانه" دندان منتشر، شماره ۴۱ وطن تحریر و در ضمن آن سوال کرده اند که آیا هدف شکایت آقای رنجور - معاینه خانه مرکزی است یا انجمن دکتوران دندان؟ لهذا در جواب ایشان توضیح میشود که مقصود آقای رنجور جانیست که آقای دکتور عبدالله خان دران به معالجه میپردازد! علاوه بران آقای اسپین غر توضیح کرده اند که موسسه دندان سازی معارف از ۱۵ قوس الی ۲۵ حوت مسدود است و باید متعلمین درین ایام بشعبه مجانی انجمن دکتوران دندان که در روزهای یکشنبه و سه شنبه و پنجشنبه از ساعت ۹ الی ۱۲ اجرای وظیفه میشود رجوع نمایند

یادداشت به هیئت خریداری

میگویند هیئتی از طرف دیپوی تعاونی برای خرید رخت به هندوستان میرود. وطن توجه این هیئت را بخرداری های لوکس و گران بهای نمایندگان سابق دیپو و مصارف هنگفت شان معطوف ساخته امید وار است هیئت از یکطرف در خرید مال - احتیاج عامه و توان توده را در نظر داشته مطابق وظیفه موسسه خود که رسانیدن رخت به عموم است خریداری کند و از طرف دیگر در مصارف مسافرت و بودوباش در خارج حالت اقتصادی مملکت و قلت اسعار را فراموش نه نمایند

اخبار هفته

م. سیاسی

تاسیس کوپراتیف ها - تولید شکر در بغلان - شکست مرتجعین در هند اوضاع مصر - در ملل متحد

پائین تر قرار دارند

موفقیت کانگرس بیشتر مرهون پالیسی نهر و است که این حزب اعتدالی را با تعقیب پلان های رفاه عامه خصوصاً پلان الغای ... داری و تقسیم املاک در بین دهاقین با افکار پیشرفته اجتماعی مربوط ساخته و توده بزرگ دهاقین هند را به آن علاقمند گردانیده است.

قاهره - جراید مصری اعلان کردند که اگر کسی جنرال رابرت سن جلاذ بزرگ اردوی انگلیس را در منطقه کانال سویس بقتل برساند مستحق يك هزار پوند جایزه میگردد و با قتل هر يك از سایر صاحب منصبان اردوی متجاوز برطانیه يك صد پوند جایزه اخذ میکند. انگلیس ها نسبت به این انتشار بر حکومت مصر اعتراض کرده مجازات جراید مذکور را تقاضا نموده اند. اما حکومت مصر جواب داد که چون در مصر مطبوعات آزاد است حکومت حق بازپرس و ممانعت ندارد. اگر انگلیس ها خواسته باشند فقط اینقدر میتوانند که در محاکم صالحه اقامه دعوی نمایند.

از دو روز باینطرف ۱۵۰۰ نفر از عمده کمپنی سویز در پورت سعید در حال اعتصاب است. نماینده کمپنی اظهار کرد که اگر حکومت مصر در ختم این اعتصاب نکوشد بزودی راه به کانال مسدود خواهد شد.

میگویند حکومت مضر از اکثر دول متحابه تقاضا نمود، که پادشاه مصر را رسماً بصفت شاه سودان بشناسند، این تقاضا، ذاتاً معقول است اما برادران مصری ما باید ملتفت باشند که قضایای شرق بصورت انفرادی حل شده نمیتواند و تعاون متقابل تمام ممالکی را که حقوق شان پا مال گردیده ايجاب میکند پس حکومت مصر باید توام با این تقاضا، خود حاضر بشناختن حقوق دیگر برادران شرقی و معاونت اخلاقی و سیاسی با آنها باشد مثلاً باید مسئله پشتونستان را که شباهت تام با قضیه سودان دارد مورد مطالعه قرارداد رای خود را دران باره به صراحت اظهار کند دران وقت البته برای حکومت و ملت افغانستان و پشتونستان هیچ مانعی در همکاری با ملت مصر در قضیه سودان و کانال سویز باقی نخواهد ماند.

پاریس - را پور کمیته اقدام مشترک که سال گذشته بشمولیت نمایندگان یازده مملکت برای اتخاذ تجاویز نظامی در برا بر متعرض تشکیل گردیده بود به مجمع عمومی ملل متحد ارائه شد. اینها پیشنهاد کردند که تمام دول عضو يك يك قطعه از اردوی خود را جهت اجرای تجاویز ملل متحد تخصیص بدهند. نماینده شوروی این پیشنهاد را منافی میثاق ملل شمرد که تمام عملیات نظامی را مربوط به شورای امنیت ساخته است. پیشنهاد با پنج رأی مخالف و سه رأی ممتنع تصویب گردید.

باز تایپ و تدوین دیجیتال: قاسم آسمایی

نشر: صفحه انترنیتی راه پرچم دسمبر ۲۰۱۹

کابل - قرار اطلاع باختر پروژه تاسیس کوپراتیف مالداری به تصویب مجلس وزراء و صحه همایونی رسیده اینک در معرض تطبیق گذاشته میشود تا کنون اساسنامه این کوپراتیف و کوپراتیف زراعتی لبلبو که خبر تاسیس آن قبلاً نشر گردیده بود منتشر گردیده که تفصیلاً اظهار رای شود. اما از اوضاع معلوم میشود که شرائط اقتصادی فعلی مملکت اینگونه موسسات تعاونی را یکی بعد دیگر بوجود میاورد و این جای مسرت و امیدوار نیست. زیرا در دنیای امروز هر دو خصوصاً تولید و مصرف شکل انتفاعی را گرفته پس باید اداره و انتظام آن نیز به صورت اجتماعی صورت بگیرد و موسسات کوپراتیف اگر بشکل صحیح تاسیس و بدرستی اداره شود این وظیفه را بهتر از هرگونه موسسات دیگر اجراء میکند.

اما متاسفانه کوپراتیف های که تا کنون در مملکت تاسیس شده غالباً ناکام گردیده، مثلاً کوپراتیف های که زراعتی چند سال پیش و کوپراتیف مامورین و این ناکامی اگر تکرار شود شاید يك ذهنیت مخالف با این گونه موسسات در جامعه تولید نماید پس همین الان که اول وقت است باید برای تاسیس و اداره کوپراتیف ها يك قانون جامع ترتیب و مدارج تقنینی را طی نمایند تا خودسری یا بی تکلفی کارکنان این موسسات - موجب بدنامی آنها نگردد.

کابل - باختر تولید شکر امثال فابریکه بغلان را که بقول آقای شجاع "نظیر آن در آسیا" و حتی در کشورهای معظمه اروپا - حسب فر موده بعضی از ارباب خبر کمتر پیدا میشود" اعلان کرد فابریکه بغلان در مدت ۴۷ روز کار مقدار (۴۲۴۲) تن شکر تولید کرده است که تقریباً پنج يك مصرف طبیعی مملکت است اما فابریکه های بزرگ عالم تا جائیکه ما اطلاع داریم سالانه پنجاه هزار تن و بیشتر از آن تولید می نماید.

دهلی جدید - اگر چه نتیجه انتخابات هند هنوز بدست نیامده از نتیجه فرعی شش ولایت معلوم میشود که احزاب مرتجع مثل هندو مجاسبا - اکالیدل و جنگ سنگ که از مفکوره دیکتاتوری و تعصب مذهبی نمایندگی دارند بشکست فاحش دچار شده اند. حزب کانگرس در حدود پنجاه فیصد کرسی ها را در مجلس مرکزی و مجالس ولایات بدست آورده و بعد از ان احزاب دست چپ مثل کمونیست - سوسیالیست - سوسیالیست های انقلابی و حزب مزدور و دهقان مقام گرفته اند و احزاب ارتجاعی دست راست از همه